

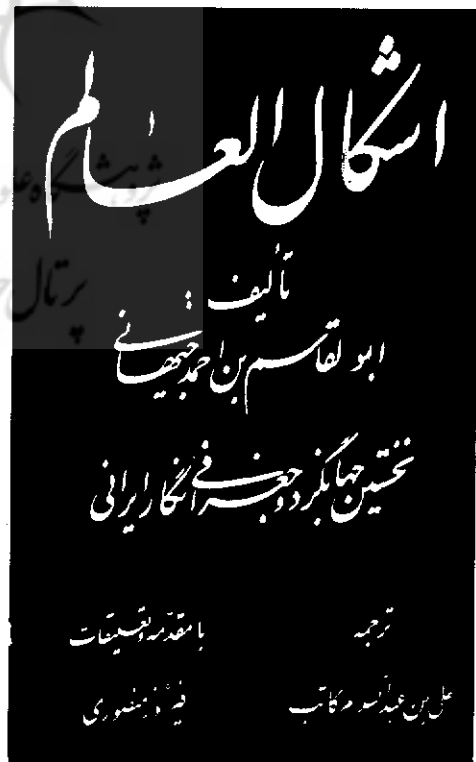
اشکال العالم، تألیف ابوالقاسم بن احمد جیهانی، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی (شرکت به نشر)، ۱۳۶۸، ۳۲۴ صفحه.

متون جغرافیایی که از سده‌های نخستین هجری بر جای مانده انگشت شمار است. جغرافی نگاران دنیای اسلام پس از آشنایی با کتاب بطلمیوس و بر مبنای آن به نگارش تألیفاتی در این زمینه پرداختند. در این میان، غیر از المسالك والممالك ابن خردادبه که متن فعلی آن ظاهراً تلخیصی از کتاب اصلی اوست، اثر گمشده جیهانی شهرت بیشتری دارد. خاندان جیهانی یکی از چند خانواده معروف دوره سامانی بود که افراد آن سالیان دراز مقام وزارت امیران سامانی را بر عهده داشتند. نام آورترین فرد این خاندان ابو عبدالله محمد بن احمد جیهانی است که افزون بر مقامات سیاسی دانشمند و جغرافی دانی برجسته بود.

در سال ۳۰۱ ق. / ۹۱۳ م. احمد بن اسماعیل دومین فرمانروای سامانی به قتل رسید و فرزند خردسال ۸ ساله او نصر بن احمد (۳۰۱-۳۳۱ ق. / ۹۱۳-۹۴۳ م.) به جایش نشست. در این هنگام ابو عبدالله محمد جیهانی، در مقام وزارت، نیابت سلطنت پادشاه اندک سال را نیز بر عهده گرفت و قلمرو فرمانروایی سامانیان را چندین سال بادرایت اداره کرد. او در ۳۰۹ ق. / ۹۲۱ م. با ابن فضلان سیاحتگر نامی در بخارا ملاقات کرد و این سیاح در سفرنامه خود به نیکی از او نام برده است.^۲ از تاریخ درگذشت ابو عبدالله جیهانی اطلاع دقیقی در دست نیست. اما مسلم است که در ۳۲۶ ق. / ۹۳۸ م. هنگامی که فرزندش ابو علی محمد بن محمد بن احمد جیهانی وزارت نصر بن احمد را به دست گرفت، دیگر در قید حیات نبوده است. ابو علی نیز پس از چهار سال وزارت به قول ابن اثیر در سال ۳۳۰ ق. / ۹۴۲ م. زیر آوار جان سپرد.^۳ جیهانی سوم، ابو عبدالله احمد بن ابو علی محمد بن محمد بن احمد جیهانی فرزند ابو علی است. او نواده جیهانی اول بود و مدتی وزارت منصور بن نوح سامانی را بر عهده داشت و چون منصور درگذشت او همچنان وزارت جانشینش نوح بن منصور را عهده دار بود تا اینکه در ۳۶۷ ق. / ۹۷۷ م. از وزارت کناره گرفت.^۴ از آن پس دیگر نامی از او در منابع آن عصر به چشم نمی خورد. بسیاری از نویسندگان او را با جدش جیهانی اول اشتباه گرفته اند. با توجه به مشابهتهایی که در نام و شهرت و کنیه افراد خاندان جیهانی وجود دارد حوادث زندگی آنان در هم آمیخته شده است. مثلاً یاقوت حموی دوبار در معجم الادباء به شرح زندگانی ابو عبدالله جیهانی (اول) پرداخته و در یکی از این دو جا مطالب را با احوال فرزندان او در هم آمیخته است.^۵ از معاصران، عبدالحی حبیبی دانشمند افغانی در حواشی

جغرافیا در نخستین سده‌های هجری

سید علی آل داود



شهرت او و اهمیت کتابش را یادآور شده است.^{۱۱} نخستین بار، شارل ریو فهرست نگار موزه بریتانیا ضمن فهرست نویسی کتب خطی فارسی آنجا با کتابی به نام *اشکال العالم* اثر ابوالقاسم بن احمد جیهانی مواجه شد. او پس از بررسی متن یافته شده به این نتیجه رسید که ترجمه به دست آمده با قرائنی که در دست است نمی تواند ترجمه‌ای از کتاب اصلی ابو عبدالله جیهانی باشد، بلکه اثری است بسیار تازه تر که بعدها پدید آمده است. پس از آن این نسخه مورد توجه و دقت مینورسکی قرار گرفت. وی نیز با دلایل متعدد و یادآوری نقل قولهایی که از کتاب اصلی جیهانی در کتب مقدسی و ابن حوقل و دیگران آمده، نتیجه گرفته که نسخه *اشکال العالم* موجود در موزه بریتانیا، فقط تلخیصی از کتاب *المسالك والممالك* ابواسحق استخری است. او افزوده است که شاید مترجم فارسی، نام نویسنده معروفی چون جیهانی را از حافظه خود بر این کتاب ناشناخته نهاده باشد.^{۱۲} از آن پس نسخه دیگری از *اشکال العالم* در کابل به دست آمد و دانشمند افغانی هاشم شایق مقالات مفصلی در توصیف آن نگاشت؛ او با هیجان فراوان یافته خود را اثر اصلی جیهانی خواند و آن را همچون

تاریخ گردیزی (حاشیه ص ۷ و حاشیه ص ۵۹۷) در شناسایی خاندان جیهانی به اشتباه افتاده و *المسالك والممالك* جیهانی را اثر ابو عبدالله احمد (جیهانی سوم) دانسته است. شادروان سعید نفیسی هم، در ضمن بیان مطالبی درباره *اشکال العالم* و به استناد پاره‌ای از محتویات کتاب، آن را اثر فرد اخیر به شمار آورده و افزوده است که حداقل نمی توان مؤلف کتاب را جیهانی معروف دانست.^۶

چنانکه گفتیم ابو عبدالله محمد بن احمد جیهانی وزیری دانشمند بود و خود از ادیبان و دانشوران حمایت می کرد. او که به شناختن *ممالك* و ولایات دور دست عشق فراوان داشت از هر سوی آگاهان را گرد آورد و با تدوین آگاهیهای آنان و نیز اطلاعاتی که از مسافران به دست می آورد به تدوین و تنظیم کتاب عظیم خود پرداخت. اثر او همچون کتاب ابن خردادبه، *المسالك والممالك* نام داشت و مؤلف از کتاب اخیر نیز بهره فراوان برد. اثر جیهانی از همان آغاز شهرت فراوان یافت و کسانی آن را مورد اقتباس و گاه انتحال قرار دادند. به گفته ابن ندیم، کتاب *البلدان* ابن فقیه همدانی خلاصه گونه‌ای از این کتاب است.^۷ مقدسی، در پیشگفتار *احسن التقاسیم*، جیهانی را از نخستین پیشگامان جغرافیا خوانده و روش کارش را شرح داده است. همو گوید که من کتاب جیهانی را در هفت مجلد در کتابخانه عضدالدوله دیلمی دیدم، اما نام مؤلف نداشتم. برخی می گفتند که این اثر از ابن خردادبه است. اما بعداً نسخه مختصر آن را همراه با نام مؤلف در نیشابور دیدم.^۸ همچنین مسعودی در *التنبیه والاشراف*^۹ (تألیف به سال ۳۴۵ ق. / ۹۵۶ م.) و ابن حوقل^{۱۰} از جیهانی و اثر او یاد کرده و پاره‌ای مطالب آن را در آثار خود درج کرده‌اند.

اصل کتاب جیهانی با همه شهرت و اعتباری که داشت در همان آغاز از میان رفته یا چنان دستخوش تغییرات و دگرگونیها شده که شناختن اصل آن هیچگاه ممکن نبوده است. دانشمندان معاصر و بویژه شرق شناسان با همه علاقه‌ای که به یافتن *المسالك والممالك* جیهانی ابراز کرده‌اند، جستجوها و کوششهایشان ثمری نداده است. کراچکوفسکی شرق شناس روسی در تحقیق گرانقدر خود نخست به جیهانی پرداخته و

حاشیه:

- ۱) نرشخی، ابو بکر محمد بن جعفر، تاریخ بخارا، به تصحیح محمد تقی مدرس رضوی، تهران، توس، ۱۳۶۳ ش، ص ۱۲۹؛ منهاج سراج، طبقات ناصری، به تصحیح عبدالحی حبیبی، کابل، انجمن تاریخ، ج ۱، ص ۲۰۷ و ۲۰۸؛ ابن اثیر، الکامل، بیروت، دارصادر، ۱۴۰۲ ق، ج ۸، ص ۷۸.
- ۲) ابن فضلان، سفرنامه، ترجمه ابو الفضل طباطبائی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ص ۶۲.
- ۳) ابن اثیر، الکامل، بیروت، دارصادر، ۱۴۰۲ ق، ج ۸، ص ۳۹۳. حوادث سال ۳۳۰ ق.
- ۴) قزوینی، محمد، یادداشتها، به کوشش ایرج افشار، تهران، علمی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۲۰۷.
- ۵) یاقوت حموی، معجم الادباء، مصر، دارالمأمون، ۱۹۳۷ م، ج ۱۷، ص ۱۵۶ و ج ۴، ص ۱۹۰ به بعد.
- ۶) نفیسی، سعید، «ترجمه اشکال العالم» در راهنمای کتاب، سال ۲، شماره ۳ (آذر ۱۳۳۸ ش)، ص ۳۷۵ تا ۳۷۷.
- ۷) ابن ندیم، ابوالفرج محمد، الفهرست، به تحقیق رضا تجدد، تهران، ۱۳۵۰ ش، ص ۱۷۱.
- ۸) مقدسی، ابو عبدالله محمد، *احسن التقاسیم*، ترجمه علینقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ج ۱، ص ۵.
- ۹) مسعودی، علی بن حسین، *التنبیه والاشراف*، بیروت، دارصعب، ص ۶۵.
- ۱۰) ابن حوقل، *صورة الارض*، به کوشش کرامرس، لیدن، بریل، ۱۹۳۹ م، ص ۴۵۳.
- ۱۱) کراتشکوفسکی، تاریخ الادب الجغرافی العربی، ترجمه صلاح الدین عثمان هاشم، قاهره، جامعه الدول العربیه، ۱۹۶۳ ق، ج ۱، ص ۲۲۰ و ۲۲۱.
- ۱۲) مینورسکی، ولادیمیر، «جیهانی که جیهانی نبود»، آریانا، دوره ۲۵، شماره ۵۶ (میزان - جدی ۱۳۴۶ ش)، ص ۲۹ به بعد.

چیست و تحقیقات او به چه نتیجه‌ای رسیده است؟ به گفته ایشان «اشکال العالم لا اقل بیست سال پس از مرگ مسعودی (۳۴۵ ق. / ۹۵۶ م) تنظیم یافته» (ص ۴ پیشگفتار) ولی معلوم نکرده‌اند که اگر این نظر را صحیح بدانیم پس اقوالی از جیهانی که در کتب تألیف شده پیش از این سالها نقل شده از چه کتابی است و مؤلف آن کیست؟ اندکی بعد با تاختن به مقدسی تلویحاً اثر مشهور او احسن التقاسیم را معجول و تحریف شده خوانده‌اند. کاش مأخذ و یاد لایل سخنان خود را بیان می‌کردند که مورد استفاده اصحاب تحقیق قرار می‌گرفت.

در صفحات بعد باز هم مصحح، استنباط تازه‌ای کرده‌اند. مطابق این نظر ابو عبدالله محمد جیهانی که در ۳۰۱ ق. / ۹۱۳ م. وزیر نصر بن احمد سامانی بود در سال ۳۶۵ ق. و به روزگار پیری دیگر بار به وزارت رسید و در این سمت دو سال دوام یافت و ابوالقاسم جیهانی مؤلف کتاب هم معاصر او بود و کتابش را در همین زمان به رشته نگارش در آورد. اگر بپذیریم ابو عبدالله جیهانی در سال ۳۰۱ ق. که به مقام وزارت و نیابت سلطنت رسیده لا اقل مردی پخته و جا افتاده بوده، چگونه می‌تواند ۶۷ سال دیگر هم زنده و به طور متناوب وزیر سامانیان بوده باشد؟ به قول مرحوم قزوینی «... لازمه اینکه او وزیر هم نصر بن احمد و هم منصور بن نوح و نوح بن منصور باشد این می‌شود که او ۶۷ سال وزارت اغلب ملوک سامانیه را (علی سبیل الانقطاع و التعاقب مع غیره لابد) کرده باشد و این امر عادتاً بسیار بسیار مستبعد است.»^{۱۴} البته در متن فعلی اشکال العالم گزارشهایی در حوادث دوران نوح بن منصور (۳۶۵-۳۸۷ ق. / ۹۷۵-۹۹۷ م.) به چشم می‌خورد و این خود دلیل محکمی است بر آنکه اشکال العالم ربطی به المسالك و الممالك جیهانی ندارد. مطالبی که در باب تاریخ ترجمه فارسی اشکال العالم به نقل از ریو و نفیسی آمده و ترجیح بی دلیل نظر ریو، مستدل نیست و بهتر بود مصحح دلایل خود را در این باب ذکر می‌کردند (ص ۹ و ۱۰ پیشگفتار).

با دقت در مراتب فوق می‌توان احتمال داد که متن فعلی و موجود اشکال العالم تحریر تازه و مؤخری از المسالك و الممالك جیهانی است که به ظن قوی آن را مؤلف دیگری از افراد این خاندان یا نویسنده دیگری نوشته و نام جیهانی را بر آن نهاده است. این نکته را هم باید بر سایر دلایل افزود که در متون کهن از کتاب اصلی ابو عبدالله جیهانی مطالبی نقل شده که مطلقاً در اشکال العالم دیده نمی‌شود. شرح مفصلی که گردیزی^{۱۵} درباره فرهنگ هندوان آورده یا آنچه بیرونی درباره اسطوره‌های جامع قیروان^{۱۶} گفته یا مطالبی که یاقوت در توصیف شهر صغد (= سفد) ماوراءالنهر آورده^{۱۷} از این گونه است، و همه اینها دلایل محکمی بر رد انتساب اشکال العالم به جیهانی است. کاش ایشان

کشفی تازه به دنیای تحقیق عرضه داشت.^{۱۳} به این ترتیب تاکنون سه نسخه از اشکال العالم منسوب به جیهانی به دست آمده که دو نسخه آن در موزه بریتانیا و یک نسخه در کابل است.

اشکال العالم بر اساس میکروفیلم یکی از نسخ موزه بریتانیا، موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به کوشش آقای فیروز منصوری با مقدمه و تعلیقات به زیور طبع آراسته شده است. اینک ببینیم مصحح گرامی با این انبوه تردیدها و مشکلات و سوالاتی که درباره جیهانی و اثر او وجود دارد و از زمان مقدسی تاکنون گریبانگیر جغرافیدانان و دیگر محققان بوده، چگونه برخورد کرده و پاسخ آنها را چه سان پرداخته است.

مصحح در نخستین سطر پیشگفتار با صراحت مؤلف کتاب را «ابوالقاسم بن احمد جیهانی» دانسته و او را دانشمندی مشهور و صاحب تألیفات گوناگون خوانده است. بی تردید با توجه به مطالبی که یاد شد، فرد نامور و برجسته دودمان جیهانی همان ابو عبدالله محمد بن احمد است. و از ابوالقاسم جیهانی تا پیدا شدن نسخه ترجمه اشکال العالم نامی در هیچ جا به چشم نمی‌خورد. مصحح در صفحات بعد به تفصیل درباره تألیفات جیهانی (بی آنکه معلوم باشد کدام جیهانی منظور نظر اوست) با استفاده از آثار مسعودی و مقدسی و دیگران سخنانی بیان داشته و چون مقدسی در اثر خود بر جیهانی انتقادی کرده، سیل ناسزارا متوجه او ساخته است. آنگاه ضمن بر شمردن افراد خاندان جیهانی، با استنباط نادرست از سخنان این ندیم به نتیجه اشتباه آمیزی رسیده است. این ندیم در الفهرست ضمن بیان مختصر احوال ابو عبدالله محمد (جیهانی اول) اشاره کرده که او متهم به ثنویت و مانوی‌گری است. اما مصحح چنین پنداشته که منظور ابن ندیم همانا ابو عبدالله احمد نواده جیهانی اول است که اشکال العالم هم به دست او نگاشته شده است. (رک. ص ۳ پیشگفتار). در ادامه مطلب در فصلی زیر عنوان «تألیفات منسوب به جیهانی» همه آثار ابو عبدالله محمد جیهانی را که پیش از سال ۳۶۷ ق. / ۹۷۷ م. (که سال تألیف اشکال العالم تصور شده) تدوین شده، تلویحاً اثر نواده او خوانده است. برای خواننده بالآخره روشن نمی‌شود که نظر مصحح در مورد افراد مختلف جیهانی

۲۳۶). و در ادامه موضوع چنین گفته‌اند: «در دهه‌های سوم و چهارم قرن چهارم هجری بخارا مرکز علم و دانش و مجمع مشاهیر فضل و ادب بوده، جیهانی علاوه بر تنظیم اشکال العالم، در بیان فضیلت سایر اقوام بر عرب، کتاب می نوشت. در همچو زمان و مکانی ابودلف خزرچی گدایشه توبره به دوش در دربار سامانی چه کار داشت...» (ص ۲۳۸) و سرانجام تکمله کتاب با این عبارات خواندنی پایان می‌یابد: «دشمنان ایران زمین با این تحریف و تبدلها خواسته‌اند همواره فرهنگ و تاریخ ایران را وابسته قلمداد کرده و آثار اصیل ایرانی را به نامهای ابن حوقل‌ها و ابودلف‌های مجهول الهویه یا گدایشه و ابن فضلان و استخری‌های گمنام و یاقوت حموی‌ها نسبت داده و کتمان حقیقت نمایند.» (ص ۲۳۹). چند صفحه از مقدمه کتاب به فرهنگ لغات و اصطلاحات اختصاص یافته که بهتر بود این مطالب به آخر کتاب برده می‌شد. در این چند صفحه هم رعایت اعتدال نشده و مثلاً برای واژه «اسباب» سه صفحه مطلب فراهم آمده است.

البته شاید پاره‌ای ساده اندیشان یا دوستان مصحح برای این اکتشافات جالب و شگفت‌انگیز به ایشان تبریک بگویند. لیکن باید افزود که نشر کتاب به صورت فعلی نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه مندرجات مقدمه و تعلیقات سردرگمیهای تازه‌ای برای خوانندگان و تکالیف جدیدی برای محققان ایجاد خواهد کرد. نکته آخر آنکه چون مصحح تحقیق خود را بر اساس یکی از سه نسخه موجود و شناخته شده انجام داده‌اند، درباب شیوه تصحیح و کیفیت استنساخ از نسخه عکسی نیز مطالبی باید بیان کرد که عجالتاً به سبب اجتناب از تطویل کلام آن را به فرصتی دیگر وا می‌گذاریم.

حاشیه:

- ۱۳) هاشم شایق، آریانا، سال اول، شماره ۲ (۱۳۲۱ ش)، مقاله «اشکال العالم» ص ۳۰ و ۳۱.
- ۱۴) قزوینی، یادداشتها، ج ۲، ص ۲۰۷ و ۲۰۸.
- ۱۵) گردیزی، تاریخ، به تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳ ش، ص ۶۱۲ تا ۶۱۹.
- ۱۶) بیرونی، ابوریحان، آثارالباقیه، ترجمه اکبردانا سرشت، تهران، امیرکبیر، ص ۴۹۲، ۴۹۱، ۴۹۰.
- ۱۷) یاقوت حموی، معجم البلدان، به تصحیح فردیناند وستنفلد، چاپ افست، تهران، اسدی، ۱۹۶۵ م، ج ۳، ص ۳۹۴.

همان گونه که به نقل گفتار پژوهشگران غربی چون ریو و مینورسکی پرداخته با دقت در نظر آنان به نتایج بهتر و روشن‌تری می‌رسید و به جای بیراه گفتن به کسانی چون مقدسی و استخری سخنان خود را با احتیاط بیشتری ابراز می‌داشت. استخری به این سبب که از احوالش چیز زیادی دانسته نیست مورد بی‌مهری قرار گرفته و دخویه هم که کتاب او را چاپ کرده تلویحاً در معرض انتقاد قرار گرفته است (ص ۲۴ پیشگفتار). مصحح سرانجام با اعلام این مطلب که کتابهای خطی فارسی با آشفته‌گیهایی روبروست حکم قطعی را به این صورت بیان کرده است: «... نگارنده بدین نتیجه رسیده‌ام که شخصی مغرض و کم‌مایه، با منظور خاص و اختلال آمیز، مقدمه و مؤخره مترجم و نام ابوالقاسم جیهانی را از آغاز و انجام کتاب بیرون کشیده، سپس با رونویسی بقیه، کتاب را مسالك و ممالك نام نهاده و مؤلفی هم بر آن تعیین نکرده است، و این آقای دخویه بوده که ابواسحق استخری را به عنوان مؤلف بر آن افزوده است.» (ص ۲۵) در تعلیقات کتاب هم این ادعاها تکرار شده که خواندنی است: «دشمنان فرهنگ و تاریخ ایران در قرون گذشته، با جعل کتابهای جغرافیایی به نامهای مسالك الممالك استخری و صورة الارض ابن حوقل، این نوشته جیهانی را هم تحریف کرده و باعث گمراهی پژوهشگران آینده شده‌اند.» (ص ۲۱۱). و در جای دیگر گوید: «این نوشته‌ها نشان می‌دهد که گردآورندگان مسالك الممالك و صورة الارض که تابع يك مرکز مخصوص بودند، قصد اخلال در تاریخ صفاریان را داشته‌اند... یعقوب را غلام رویگر معرفی کرده، تاریخهای دروغی هم به نام آنان تنظیم می‌نمایند.» (ص ۲۲۵). تکمله کتاب هم خواندنی است، و چند بخش کوتاه از آن نقل می‌شود: «از قرار معلوم، دشمنان فرهنگ و ملیت ایرانی، همزمان با تغییر نام جیهانی و تبدیل و تحریف نوشته‌های وی به نام استخری و ابن حوقل، اطلاعات و نوشته‌های از قلم افتاده مربوط به اقلیمهای سیزدهم و چهاردهم را از متن اشکال العالم خارج کرده و با افزودن شاخ و برگ‌ها و افسانه‌ها، به نام سفرنامه ابودلف جازده‌اند.» (ص ۲۳۵). «همچنین سفرنامه ابن فضلان که شرح مسافرت از بغداد به بخارا، حتی يك صفحه سفرنامه را هم در بر نمی‌گیرد... مأخوذ و مسروق از اشکال العالم است.» (ص